

Dari transcript:

ترجمه- بخش نخست

شهرزاد: یکی از مصروفیت های عمده شما ترجمه است. یعنی مه نوشته های شما ره که، ترجمه های شما ره در مجلات مختلف دیدیم و در وبلاگ شخصی تان. میشه برم بگوین که معمولا چی چیزها را ترجمه می کنین و چرا علاقمند شدین به ترجمه؟

زبیده: مه به خاطری، به خاطری خوش دارم ترجمه کنم که به مه ای حسه میته که مه توانایی ازی را دارم که یک زبان دیگه ره بفامم و اوره بری خود معنی کنم در زبانی که خودم گپ می زنم و اکثرا چیزهایی ترجمه می کنم.. مه متن های فلسفی ترجمه می کنم. و در مورد جنبش های مختلف فلسفی میخوانم و ترجمه می کنم. بستگی داره به ای که ترجمه هم یک کمی ربط بگیره به ای چیزهایی که در مکتب درس میخوانم. به خاطری مره کمک کنه بیشتر بفامم و معلومات عمومی ام زیادتر باشه. و یک دلیل دیگه که ترجمه می کنم ایست که کم کم جوانا توجه پیدا کنن به.. حالی ما در یک، در بین یک صندوق فکر می کنیم. بیرونتر از او نمیتوانیم فکر کنیم بسیاری جوانا. دنیایشان خلاصه میشه به یک چیز، چند چیزای خاص که بریشان داده شده که باید در همو مورد فکر کنن. و مه فکر می کنم که اگر ما بتانیم که از زبان های دیگه، از فرهنگ های دیگه و از ممالک دیگه یگان چیزها ره داخل بیاریم که مردم واقعا بتوانن استفاده کنن و ایستاد نشن در برابر ازو. و بفامن که بیرون از افغانستان چیزهای است که ما میتوانیم استفاده کنیم از اونا. خوب است، به ای خاطر.

شهرزاد: یک مدت بری کودکا هم ترجمه می کدی یا اشتباه کدیم مه.

زبیده: بری کودکا ترجمه می کدم داستان های کوتاه، شعرک های کوتاه. به خاطر ازیکه مه بسیار احساس نزدیکی می کنم به کودکا. مه عکس می گیرم از کودکا بسیار. نوشته می کنم در موردشان و برشان، برشان ترجمه می کنم. کار می کنم همراهی کودکا. و ای به ای خاطر بود که مه به عنوان، مه حالی که فکر می کنم یک بخش مهم زندگی مه که کودکیم بوده واقعا اوره مثل یک خواب از پیشم تیر شده و هیچ وقت نتوانستم زندگی کنم. به خاطر مشکلات مختلف که بوده و تجربیات مختلف و شرایط مختلف نتوانستم زندگی کنم. و خودمه پیدا می کنم در همی داستان های کودکا. یک قسمت های از مه گم شده که در داستان های کودکا، در دیدار با کودکا، در شعرهایشان، در نقاشی هایشان، در بودن با آنها میتوانم پیدا کنم. و کمی نزدیک تر می شم، به خودم.

شهرزاد: ترجمه در مجموع در افغانستان، خودت از زبان انگلیسی ترجمه می کنی، آیا ترجمه از زبان های دیگه هم در افغانستان مروج است؟ معمولا از چی زبان های ترجمه می کنن؟ در مجموع اگر بگویی که همی کار ترجمه در افغانستان، خودت مثلا به عنوان یک کسی که ترجمه می کنی و ترجمه هایت کم و بیش ایطرف و اوطرف چاپ شده، با ترجمان های دیگه آشنایی داری، با کسایی که ترجمه حرفه ای می کنن؟

زبیده: نی، مه کسی ره نمی شناسم به خاطر ازیکه، شاید یکی تسلط زیاد بر یک زبان دیگه نداره بسیار کسا. و اگر دارن هم درگیر کارهای روزمره شدن مثلا به یک دفتر ترجمانی می کنن. یا کارهایی می کنن فرمایشی. و فرصت ازی که چیزهای ره که خودشان میخوان ترجمه کنن یا فکر می کنن نیاز است بری ما به عنوان یک جامعه که بفامیم ترجمه کنن، ای فرصته شاید ندارن. یا شاید هم کم است همطور آدم ها.

English translation:

Shaharzad: One of your main occupations is translation. I have seen your writing, your translations in different magazines and in your personal blog. Can you tell me what do you translate usually and why did you become interested in translation?

Zubaida: I like to translate because it gives me the feeling that I have the ability to understand another language and to give meaning to it in the language that I speak. And the things that I usually translate...I translate philosophical texts. I read about different philosophic movements and translate it. It depends on the translation (text) being somewhat relevant to my studies in school, because that will help me understand more and increase my general knowledge. Another reason that I translate is that I want younger people to pay attention to...now we are thinking in a box. Many of our youth can't think out of it. Their world is limited to one thing or a few specific things that are given to them to think about. And I think that if we can bring in something from other languages, from other cultures and from other countries that is useful to people and people don't stand against it and learn that there are things outside Afghanistan that we can use, I think that is good. So...

Shaharzad: You were translating for kids for a while. Or am I mistaken?

Zubaida: I did translate short stories and short poems for kids. Because I feel very close to kids. I take many pictures of the kids. I write about them and for them and I translate for them. I work with kids. And this is because I think now that an important part of my life was my childhood and it really passed by me like a dream and I could never live it. It was for various problems, different experiences and different situations that I couldn't live it. And now I find myself in these children's stories. Some parts of me that are lost I can find in children's stories, in meeting the children, in their poems, in their drawings, in being with them. Then I get a bit closer to myself.

Shaharzad: About translation generally in Afghanistan...You translate from English. Is translation from other languages customary in Afghanistan? What languages do people usually translate? Can you talk in general about translation in Afghanistan? Do you as somebody that does translation and her translations are published more or less in different magazines know other translators? Do you know people that do professional translation?

Zubaida: No, I don't know anybody, maybe because most people are not fluent in other languages. Or even if they are, they are busy with daily works, for example they are translating for an office or do order-based translation and don't have the time to translate

thing that they want to translate or things that they feel we need to know about as a society. Or maybe there are a few of people like that (good translators, in Afghanistan).

About CultureTalk: CultureTalk is produced by the Five College Center for the Study of World Languages and housed on the LangMedia Website. The project provides students of language and culture with samples of people talking about their lives in the languages they use everyday. The participants in CultureTalk interviews and discussions are of many different ages and walks of life. They are free to express themselves as they wish. The ideas and opinions presented here are those of the participants. Inclusion in CultureTalk does not represent endorsement of these ideas or opinions by the Five College Center for the Study of World Languages, Five Colleges, Incorporated, or any of its member institutions: Amherst College, Hampshire College, Mount Holyoke College, Smith College and the University of Massachusetts at Amherst.

© 2003-2009 Five College Center for the Study of World Languages and Five Colleges, Incorporated